



سید حسن رشاد

تجربه ای تلخ که نقاصِ اثراتِ بد اش را تا اکنون ملت می پردازد:



یارانِ شب زنده دار، اهالی محترمِ کافهٔ شب زده ها، امشب با شما حکایتی یا خاطره ای دارم که سالهاست مرا می آزارد و جوابی هم برایش ندارم، دستم به دامن شما!

این تمثالِ من، که بیرقِ جمهوریت را به دوش دارم، و رفیقِ سلیم سلیمی که علمِ گاردِ جمهوری را به شانه میکشد، یعنی دو پرچمدارِ شناخته شده، بیانگرِ او روزِ تاریخی است که بعدِ دو صد و پنجاه سال، بیرقِ شاهی با سرافکنده گی پایان و اولین بیرقِ جمهوری در فضای کشور بر افراشته می شود. و فکر می شد که اراده ای ملت بالاخره پیروز شد و کشوری که دو نیم قرن به ساز سلاطین، خانواده و حکام ظالم شان سرنهاده بودند آزاد شدند در حالیکه بعد ها تجربه نشان داد که ما به خطا رفته ایم، چون موسس جمهوریت، خود معصوم بینی و خودشیفتگی که از خانواده و طبقه اش به ارث برده را هنوز به یاد داشت و به آن آراسته بود که عاقبت اش بسی تلخ بود.

و جانِ سخن در کجاست؟

اولین گارد ریاست جمهوری که ایجاد شد، حکمران (قلعه بیگی) آن، ضیاء مجید، جوانِ جمهوری خواهِ غیر حزبی با ابتکاراتِ وطنپرستانه و دیدِ مترقی که تا امروز با دیدنِ جفا های بیشمار صادق ترین آدم به سردار داود است، این رفقا را روی شناختِ شخصی در گارد جمع و تعیین بست کرده بود: آمرِ اوپراسیون، رفیق گل آقا که صاحب دو دیپلوم سرخ، یکی از شوروی وقت و یکی از فرانسه؛ آمرِ کشف، رفیق عبدالحق علومی، صاحبِ دیپلوم؛ رفیق عزیز حساس، قوماندانِ قطعه تشریفات که بدیل اش در اردو نبود؛ رفیق رحیم شادان، آمرِ پیژند؛ رفیق سلیم، قوماندانِ تولی و ایجادگرِ کنفراسها، به حمایتِ ضیاء مجید برای اولین مرتبه در چوکاتِ اردو رفیق جان آقا و من، قوماندانانِ تولی؛ و جمعی هفده رفیق پرچمی که در موجودیت ما دشمن در وجود اشخاص معروف و دسته های جهادی ساخت پاکستان و ایران و CIA چند مرتبه مشق کودتا کردند، که با افتخار و سر بلند می گویم که با موجودیت پرچمداران در گاردِ وقت، آرمانِ پیروزی را به گور بردند که یا زندانی شدند و یا نزد ولینعمت های شان پناهنده؛ خلاصه، نوبت به حفیظ الله امین سفاک و شیاد رسید، و او، بدون اطلاع به رهبری حزب، خودسر و عاملانه حرکت کرد که شاید از خوشباوری زنده یاد تره کی صاحب هم بهره برده باشد و از طریق عیسی، رئیسِ استخباراتِ وزارتِ داخله و عزیز اکسا، خواهرزاده سروری قاتل، که با حمایتِ کاملِ قدیرِ نورستانی، آنها بر ضبط احوالات وقت هم امکان وسیع داشتند و به دست آوردن دوسیه های بعضی بلند پایه های حزب دموکراتیک خلق از ضبط احوالات صدارت و اسنادِ بدنام کننده رشوت و اختلاس و وعده ای چرب زعامت به ایشان یعنی وزیر داخله قدیر نورستانی و سردار حیدر وزیر دفاع را جذب و توسط این دو وزیر و دادنِ راپورهای غلط و متکرر ذهنِ داود خان را درموردِ ضیاء مجید و افسرانِ پرچمی وفادار به جمهوریت را تخریب و گارد را از وجودِ وفادار ترین آدم به سردار داود، جناب ضیاء مجید و هفده رفیق پرچمی در یک روز پاک و به عوضِ آنها به جا کردن مهره های از حزب اسلامی، جمعیت اسلامی، آی اس آی و سی آی ای و افراد وابسته به گروپ خودش موفق و بعد آن دست به کودتای خونین زد که داود خان را با فامیل اش خورد و بزرگ بدون در نظر داشت احساس انسانی و نظر رفقای پرچمدار به خاک و خون یک سان کرد و بعدش تیغ به جان ملت کشید و آن قدر گشت تا که خودش نیز با ذلالت پی اعمالش رفت.



سید حسن رشاد

May 4 at 10:54 PM · 🌐

...



سید حسن رشاد

رفیق معروف اولین گارد جمهوری زیر فرمان ضیاءمجید و آمریت اوپراسیون مرد مدبر رفیق گل آقا عملن درضرف چهل ثانیه آماده سفر میشد و قطعات آن جهت مدافعه جاهای از قبل تعیین شده به حرکت می افتید در یکی شبهای که سردار داود به کدام سفر خارجی رفته بود سردار حیدر چرسی وزیر دفاع و وزیر داخله شوق کودتا کرده بودند که حرکات اولیه اش در وجود قطعات خاص پولیس ظاهر شد و وقتی بیداری گارد را دیدن از نیمه راه پیش از اینکه موقع به قطعات اردو برسد ناکام به وضع الجیش اصلی خویش تقرب کردند و کودتا های دیگر .

Like · Reply · 1d · Edited



Abdullah Spantgar

رفیق رشاد گرانمهر ! زیبا و مستند نوشتید. درست همین اسناد که بنیاد ان بر کارکردها و سمت گیری های انسانی استوار است میتوانند سنگ بنای نگارش تاریخ دیروز و امروز ما باشند . دیروزی که تیر از کمان پریده است و نمیتوان انرا بازگشت داد ولی میتوان صادقانه آنرا به بررسی گرفت و امروزی که جنین فردا در بطن آن پرورش می یابد . به اجازه شما نگاشته را به بزرگوارانی که مصوف تحقیق روی حوادث همین برهه زمانی اند میفرستم .

Like · Reply · 1d



Salim Alizada

رشاد صاحب درود ، چه تصویر با وفا و آماده خدمت ..
خاطرات شما گوشه از تاریخ کشور از دست اول است که با علاقمندی دنبال میشود ..
بنظرم تحول جمهوریت به مزاج غرب خوش نخورد داؤد خان را دربی بی سی وقت بنام سردار سرخ یاد می نمودند و رادیو پاکستان نشرات مخصوص به مردم افغانستان زیرنام « نوایی دوست » که به نام رادیو کاکاجان مشهور بود جمهوریت و داؤد خان را بنام چنکاش شاهی یاد مینمودند و به تخریب رژیم میپرداختند و با عملیات گروپ های مسلح مجاهدین در ولایات و بعد در جشن رژیم را از بیرون زیر فشار قرار داده بودند و از جانب هم در داخل کابینه نیز افراد بودند که داؤد خان را برضد افسران پرجمی وفادار به داؤد خان تحریک مینمودند ، ارتباط حفیظ الله امین با قدریر نورستانی و گلبدین ملث خبیثه را میساخت از جمله ترور ها .. روی دیگر سکه و عده ها میان تهی شاه ایران نماینده غرب در منطقه داؤد خان را ظاهرا امیداور و در ضمن تحریک مینمود که از سیاست که خود آغازگران بود به عجله کنار برود .. ای کاش چنین نمی شد . دوستی عنعنوی با اتحاد شوروی و کمک ها که پلان داؤد خان نیز بر بنیاد همین کمک ها طرح شده بود مانند قبل ادامه می یافت ..

Like · Reply · 1d

منبع: صفحه فیسبوک سید حسن رشاد